

پلیس به وحشت در شهری پایان داد

بازسازی صحنه

شلیک‌های کور ۲ برادر

علی چاهه/ عصبانی از خانه بیرون زد. پدر پیر او نگران از این شرایط، فرزند دیگری را نیز راهی کرد تا اتفاق بدی برای پسر بزرگش رخ ندهد اما حالا هر دو به جای اینکه شاکی باشند به دلیل تیراندازی و مجروح کردن یک شخص با دستبند و پابند برای بازسازی صحنه در محل حضور پیدا کرده‌اند.

ماجرا دقیقاً از آنجا شروع شد که سعید با فروش یک موتورسیکلت برای پرداخت بدهی هایش نه تنها مشکلاتش کمتر نشد بلکه درگیری هایش بیشتر نیز شد. چراکه خریدار از پرداخت بدهی خود به او امتناع می کرد. هم‌مین اختلاف مالی سرانجام سعید را ترغیب می کند تا با خرید یک کلت کمری از بازار به ارزش ۸ میلیون تومان قرار دعوایی با خریدار موتور خود که از جنگی های دولت آباد و راسته خیابان فداییان اسلام است، بگذارد و با عصبانیت از خانه خارج شود. در همین حین پدر پیر او با برادر کوچکترش، تماس گرفته تا سعید تنها به دل این افراد نزند. مجید نیز سریع خود را به سعید رسانده و اجازه نمی دهد تا برادرش تنها به آن مکان برود. عقربه‌های ساعت عدد ۲۱:۳۰ دقیقه را نشان می دهد که صدای عربیده های

حضور خود را در طبیعت به هلال احمر خبر بدهید

گم شدن ۲ کوهنورد شیرازی در کوه‌های گچساران

آیدین رزاقی/ مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان کهگیلویه و بویراحمد از کوهنوردان حرفه‌ای و طبیعت‌گردان درخواست کرد تا حضور خود به‌صورت گروهی و با هدف کوهنوردی و طبیعت‌گردی را به نیروهای امدادی مقصد اطلاع دهند تا امدادرسانی به آنها در صورت وقوع حادثه احتمالی آسان‌تر انجام گیرد.

جدا شدن ناآگاهانه از گروه کوهنوردی حرفه‌ای ۲ کوهنورد شیرازی را دچار حادثه کرد. کاظم فلاحي دوست، در این باره به خبرنگار «ایران» گفت: ما اطلاع داشتیم که در روز گرامیداشت کوه خامی تیم‌های کوهنوردی بسیاری به این منطقه مراجعه و اقدام به صعود می‌کنند از همین رو تیم‌های امداد و نجات این منطقه در حالت آماده‌باش بودند. عصر آن روز به ما اطلاع دادند که دو کوهنورد حرفه‌ای در کوهستان با



یک حادثه ناگوار روبه‌رو شدند.

وی افزود: آنها به دلیل بارش برف و پرودت هوا که از گذشته در آن منطقه رخ داده بود و شرایطی که بر ارتفاعات نزدیک به قله در آن منطقه حکمفرما بود، در محل ارتفاعات بالایی از کوهستان گرفتار شده بودند و نمی‌توانستند به سمت پایین حرکت کنند. فلاحي دوست بیان کرد: بدین ترتیب تیم‌های نجات اورژانس در اولین فرصت ممکن به منطقه فرستاده شدند. با استفاده از دوربین‌های مخصوص تجهیزات نجات و طول و عرض جغرافیایی که یکی از آنها برای ما ارسال کرده بود همچنین توصیفات که از منطقه انجام می‌داد توانستیم کوهنوردان را پیدا کنیم. پس از اینکه نیروهای ما به نزدیکی محل حادثه رسیدند، تیم‌های نجات با استفاده از طناب و تجهیزات پیاده شدند تا کوهنوردان را از محل گیر کردن آنها به‌دلیل شرایط نامساعد نجات دهند. مدیرعامل هلال احمر کهگیلویه و بویراحمد ادامه داد: به‌دلیل قوی بودن باد و پوشش برفی زیاد، کار تیم‌های نجات بسیار سخت بود. با این حال، با تلاش و همکاری با هم، تیم‌های نجات نهایتاً موفق شدند کوهنوردان را با موفقیت به ایمنی برسانند که در این حادثه متأسفانه یکی از افراد که زن بود دچار پارگی رباط صلیبی شده بود و فرد دوم برای مراقبت از او برای اطلاع دادن به تیم‌های نجات در کنار این خانم مانده بود.

وی اظهار داشت: این ۲ نفر جزئی از همان تیم ۱۵ نفره بودند که از شیراز به منطقه آمده بودند و قصد قله‌نوردی داشتند که متأسفانه در مسیر راه را گم می‌کنند و به علت ورود به منطقه‌ای که شناخته شده نبود، دچار حادثه می‌شوند.

وی تصریح کرد: بعد از بازگشت به پایین کوهستان، کوهنوردان برای طی پروسه درمان به بیمارستان منتقل شدند. همه تلاش‌های تیم‌های نجات در این عملیات به خوبی به نتیجه ختم شد و موفقیت تیم‌های نجات در امدادرسانی به کوهنوردان حرفه‌ای، باعث قدردانی سایر اعضای گروه از همکاران ما شد.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان کهگیلویه و بویراحمد همچنین در پایان این گفت‌وگو از طرف همه نیروهای امداد هلال احمر کشور از کوهنوردان حرفه‌ای و طبیعت‌گردان درخواست کرد تا حضور خود به‌صورت گروهی و با هدف کوهنوردی و طبیعت‌گردی را به نیروهای امدادی مقصد اطلاع دهند تا امدادرسانی به آنها در صورت وقوع حادثه احتمالی آسان‌تر انجام گیرد.

وی گفت: معمولاً کوهنوردان حرفه‌ای سفر خود به قصد کوهنوردی به مقصد مورد نظر را به نیروهای هلال احمر میدا گزارش می‌دهند که این امر نمی‌تواند به مسأله امدادرسانی در صورت وقوع حادثه کمک شایانی بکند. به همین دلیل درخواست جدی ما از کوهنوردان اطلاع حضور خود به نیروهای امداد مقصد است که امیدواریم مورد توجه علاقه‌مندان به طبیعت قرار گیرد.

سعید همه افراد داخل قهوه‌خانه را به بیرون می‌کشاند و وضعیت به شکل دیگری رقم می‌خورد. ۲ برادر با یک قمه در مقابل ۱۵ نفر قرار گرفته‌اند و طبیعتاً همه این عربیده‌کشی‌ها در صورت درگیری خیلی بد تمام می‌شود. پس کری خواندن این طرفی‌ها شروع و فحش‌هایی سر داده می‌شود که حتی شاید خیلی از آنها شنیده نشده باشند. در این بین فحاشی‌های ناموسی عصبانیت شدید سعید را به دنبال داشته و او کلت کمری می‌کشد.

اما باز این افراد هفت تیرکشی او را نیز مسخره و با فحاشی او را ناتوان از تیراندازی خطاب می‌کنند که به گفته سعید، همین حرف‌ها باعث تیراندازی هوایی او و سپس تیراندازی به سمت زمین می‌شود که یکی از گلوله‌ها کمانه کرده و به قدر برخورد می‌کند. سعید و مجید سرعت از محل تیراندازی متواری شده و برای خروج از کشور به اردبیل می‌روند. چند روزی در مخفیگاه خود در اردبیل می‌مانند تا کارهای قاچاق‌بری آنها انجام شود که یک روز صبح وقتی در خواب عمیق بودند، پلیس اطلاعات شهری با اقدامات اطلاعاتی بموقع، مخفیگاه این دو برادر

را شناسایی و آنها را دستگیر می‌کند. **بازسازی صحنه تیراندازی توسط ۲ برادر**

روز گذشته، ۱۱ اردیبهشت ماه، صحنه شلیک‌های ۲ برادر که در خیابان فداییان اسلام به دلیل اختلاف مالی اقدام به تیراندازی و قدرت‌نمایی کرده بودند با حضور متهمان و حسینی‌ای این‌ علی سرپرست فرماندهی انتظامی پلیس شهری، بازسازی شد.

آن شب را این‌گونه بیان کرد: بخاطر اختلاف مالی این اتفاق افتاد. ابتدا ۲ تیر هوایی شلیک کردم سپس ۳ گلوله به زمین زدم تا آنها را بترسانم که یکی از گلوله‌ها کمانه کرد و به پای یکی از آنها خورد. او درباره خریدن کلت کمری گفت: کلت را قبل عید از یک کارگر اهل غرب کشور خریدم. تفنگ وینچستر هم که از ما کشف شده برای پدرم است و در حال گرفتن مجوز آن بودیم.

سعید با اصرار بر بی‌گناهی برادرش ابراز پشیمانی کرد و گفت: من تا حالا زندان نرفته‌ام حتی یک شب از ترس بازداشت فرار کردیم و به اردبیل رفتیم تا اینکه قبل از ترک ایران بازداشت شدیم.



که متواری شده‌اند و زخمی جاده هم به بیمارستان انتقال یافته است. سرهنگ این‌ علی با بیان اینکه این متهمان در کوتاه‌ترین زمان ممکن به ری برگردانده شدند، ادامه داد: یک کلت کمری، یک وینچستر و یک قمه از ۲ برادر به دست آمده است. یکی از مغازه‌داران

سرهنگ حسینی‌ای این‌ علی سرپرست فرماندهی انتظامی شهری در حاشیه بازسازی این تیراندازی خونین گفت: روز ۲۸ فروردین ماه امسال ماجرای قمه

محل نیز در گفت‌وگو با «ایران» گفت: متأسفانه این افراد امنیت محله را به هم ریخته‌اند و این درخواست را از پلیس داریم که بدون هیچ‌گونه مداخلات با این افراد برخورد نکند تا دیگر کسی به خود اجازه ندهد که با قمه کشتی و اسلحه‌کشی قدرت‌نمایی کند.

خواهر کشتی

به خاطر شوهر عراقی اش



علی زنجکشی/ پسر جوانی که با شلیک گلوله خواهرش را به قتل رسانده بود از زندان آزاد شد اما به خاطر سرقت دوباره به آنجا بازگشت. به گزارش «ایران»، ساعت ۳ و ۱۰ دقیقه‌دوشنبه ۳ آذر سال ۱۳۹۹ بود که

صدای شلیک گلوله در منطقه ذوالفقاری آبادان وحشت را به دل مردم انداخت و خیلی زود در تماس با پلیس ۱۱۰ تیمی از مأموران به محل تیراندازی رفته و با صحنه جنایتی هولناک روبه‌رو شدند. تیم پلیسی در محل با جسد زن ۳۰ ساله‌ای مقابل در خانه‌شان روبه‌رو شدند که داخل خودرو هدف گلوله تفنگ شکاری قرار گرفته بود.

تحقیقات کلید زده شد و مأموران پی بردند زن جوان در حالی که همراه فرزند ۱۲ ساله‌اش و برادرش در خودرو بودند، برادرش در برابر چشمان خواهرزاده‌اش اقدام به تیراندازی به سمت خواهرش کرده و پس از قتل پا به فرار گذاشته است.

بدین ترتیب به دستور بازپرس ویژه قتل تجسس‌های پلیسی آغاز شد و مأموران در بررسی‌های میدانی پی بردند که زن جوان از اوایل سال ۱۳۹۹ صیغه یک مرد عراقی شده و پسر جوان با اطلاع از این موضوع و با توجه به مخالفت‌هایی که در این زمینه داشته، دست به قتل خواهرش زده است. ردیابی‌های پلیسی ادامه داشت تا اینکه خانواده‌زن جوان با حضور در اداره پلیس ادعا کردند پسرشان با آنها تماس گرفته و عنوان کرده قصد کشتن خواهرش را نداشته و گلوله اشتباهی شلیک شده است. تجسس‌های پلیسی ادامه داشت تا اینکه روز جمعه ۲۸ آذرماه سال ۱۳۹۹ پسر جوان در منطقه ذوالفقاری ردیابی و در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر شد و در همان تحقیقات ابتدایی به قتل خواهرش با شلیک گلوله اعتراف کرد. جوان آبادانی پس از تحقیقات تکمیلی و اعترافاش روانه زندان شد تا اینکه خانواده‌اش با حضور در دادگاه رضایت خود را برای بخشش پسرشان که دست به قتل خواهرش زده بود اعلام کردند.

بنابراین فرد دستگیر شده به کلانتری انتقال یافت. همچنین کارآگاهان پلیس در جریان تحقیقات بی بردند که متهم دستگیر شده دارای سابقه کیفری است و به دلیل اعتیاد به موادمخدر همسرش نیز از او جدا شده است.

این متهم وقتی در یکی از شعب دادسرای ویژه سرعت مسلحانه مورد بازجویی قرار گرفت و دید که هیچ راه انکاری ندارد به سرعت پراید با تهدید چاقو اعتراف کرد. راننده پراید نیز درباره زورگیری در جریان تحقیقات به مأموران گفت: در شب سرعت من از ترس جانم هرچی گفتند را بپذیرفتم. این زورگیر خشن پس از اعتراف پرونده‌اش با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. صبح دیروز این زورگیر خشن در شعبه دوم دادگاه کیفری یک مورد محاکمه و جرمش را به گردن گرفت و تقاضای عفو و بخشش کرد. علی دلدار قاضی شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران درباره مجازات این زورگیر خشن به خبرنگار ما گفت: طبق ماده ۶۵۴ قانون مجازات اسلامی، متهم انتظار می‌رود به ۱۵ سال حبس محکوم شود. گفتنی است: بزودی رأی نهایی در خصوص زورگیری خشن این مجرم صادر خواهد شد.

دادگاه

تاوان سنگین در خشم آنی که به قتل انجامید

جدال خونین در اتاقک نگهبانی

نگهبان جوان که در جدال با همکارش دست به قتل زده بود با حکم قضایی به قصاص محکوم شد. به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از شهریورماه سال ۱۴۰۰ به دنبال پیدا شدن جسد خونین یک مرد ۴۵ ساله در اتاقک نگهبانی یک ساختمان نیمه‌ساز در جنوب تهران آغاز شد.

صاحب ملک که برای سرکشی به ساختمان نیمه‌ساز رفته بود با در قفل شده روبه‌رو شد و پس از گشودن در و مشاهده جسد خونین نگهبان به نام اصغر، پلیس را با خبر کرد.

به این ترتیب مأموران بلافاصله رهسپار ساختمان نیمه‌ساز شدند و جسد اصغر با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد. شواهد نشان می‌داد وی با ضربه‌های متعدد میله آهنی به سرش از پا درآمده است.

صاحب ملک که پلیس را خبر کرده بود، گفت: از مدت‌ها قبل اصغر و پسر جوانی به نام قاسم را به عنوان نگهبان در ساختمان نیمه‌ساز استخدام کردم، اما حالا خبری از قاسم نیست و ناپدید شده است. گمان می‌کنم او در این ماجرا دست داشته باشد.

در حالی که فرضیه دست داشتن قاسم در این ماجرا قوت گرفته بود مأموران به ردیابی وی پرداختند و او را بازداشت کردند. قاسم به درگیری با همکارش و قتل وی اعتراف کرد و گفت: من و اصغر ۴ ماه با هم همکار بودیم و هر دو در اتاقک نگهبانی ساختمان نیمه‌ساز کار می‌کردیم و هیچ مشکلی هم نداشتیم. آن شب من سر موضوعی از او ناراحت شدم و خواستم از اتاقک نگهبانی خارج شوم، اما او به یکباره شروع به فحاشی کرد. من اعتراض کردم و از او خواستم فحاشی نکند اما اصغر با عصبانیت فحش‌های ناموسی می‌داد. من که عصبانی شده بودم از کوره در رفتم و در یک لحظه با میله‌ای که در گوشه اتاقک افتاده بود به او حمله کردم و چند ضربه به بدنش زدم. می‌خواستم او را رها کنم، اما گمان کردم اگر او بلند شود من را می‌کشد. به همین خاطر با بیل هم چند ضربه به اتاقک نگهبانی را قفل کردم و از آنجا گریختم. باور کنید وقتی آنجا را ترک می‌کردم او نفس می‌کشید و زنده بود. وی ادامه داد: باور کنید قصد کشتن اصغر را نداشتم، فقط چند ضربه به او زدم اما فکر نمی‌کردم ضربه‌ها کشنده باشد. به دنبال اعتراف‌های وی و بازسازی صحنه جرم، برای قاسم کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.



در دادگاه چه گذشت؟

متهم در حالی از خود دفاع کرد که اولیای دم برایش حکم قصاص خواستند. وقتی قاسم روبه‌روی قضات ایستاد، گفت: من و اصغر چند ماه بود که با هم در اتاقک نگهبانی می‌خوابیدیم و با هم همکار بودیم. ما هیچ مشکلی با هم نداشتیم تا اینکه او آخرین بار با من شوخی کرد که ناراحت شدم. من به او اعتراض کردم و خواستم اتاق را ترک کند، اما او شروع به فحاشی کرد و با حرف‌های مرا تحریک نمود و من از کوره در رفتم و با میله به جانش افتادم. وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود، گفت: باور کنید قصد کشتن اصغر را نداشتم و از ترسم او را زدم. اگر او را زنده بودم خودم در درگیری کشته می‌شدم. شرمندم فرزندان او هستم و تقاضای بخشش دارم. او همسن پدرم بود و من اشتباه بزرگی مرتکب شدم. در پایان جلسه، قضات وارد شور شدند و با توجه به مدارک موجود در پرونده، قاسم را به قصاص محکوم کردند.